

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ فلسفه

فصلنامه «علمی» انجمن تاریخ فلسفه

سال دهم، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸ [پیاپی ۳۷]

صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه  
مدیر مسئول: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای  
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی  
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خوبی  
اعضای هیئت تحریریه:  
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا  
سر دبیر: دکتر حسین کلباسی اشتری  
ویراستار فارسی: مهدی ابوطالبی یزدی  
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی

قاسم پورحسن درزی، دانشیار فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی  
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی  
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی  
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران  
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی  
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی  
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران  
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاهی بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی(ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۸۸۱۵۳۲۲۱ اشتراک و فروش: ۸۸۱۵۳۵۹۴

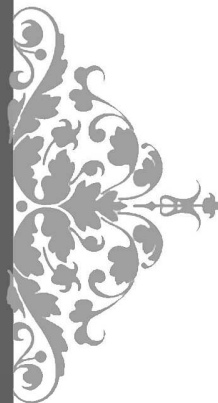
مرکز تدوین: ۸۸۱۵۳۴۹۴ نمایر: ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.hop.mullasadra.org Email: SIPRIn@mullasadra.org

شاپا نسخه چاپی: ۹۵۸۹ - ۲۰۰۸ شاپای نسخه الکترونیک: ۵۱۶۰ - ۲۶۷۶ چاپخانه: نقره آبی

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای «درجه علمی» است. این فصلنامه در پایگاه‌های: JSC.Philosopher's Index و noormags نمایه میشود.

۳	منشور اخلاقی نشریات بنیاد حکمت اسلامی صدرا .....
۹	راهنمای تدوین مقاله.....
۱۵	سخن سردبیر .....
	<b>تحلیل انتقادی اندیشه‌های هانری کربن دربارهٔ تطبیق فلسفهٔ سهروردی با فلسفهٔ یونان</b>
۱۷	سیدعلی علم‌الهدی؛ علیرضا پارسا؛ مرضیه اخلاقی؛ حسن سیدعرب.....
	<b>مفهوم‌شناسی و جایگاه «بهمن» در متون اوستایی و پهلوی بمثابه صادر اول در حکمت اشراقی</b>
۳۹	حسن بلخاری قهی.....
	<b>جایگاه معرفت‌شناختی فرونیسیس و اهمیت آن در فلسفهٔ اخلاق ارسطو</b>
۶۳	علی ناظمی اردکانی؛ رضا داوری اردکانی؛ مالک حسینی.....
	<b>تبیین و تحلیل آیین و مقام شهریاری در <i>مرصادالعباد</i> بر پایهٔ اندیشه‌های حکمت خسروانی</b>
۷۹	سمیه اسدی.....
	<b>جایگاه و زمانهٔ فخرالدین سماکی در تاریخ فلسفهٔ اسلامی (با تأکید بر حاشیهٔ او بر شرح <i>هدایهٔ میبیدی</i>)</b>
۱۰۳	طاهره سادات موسوی؛ مهدی نجفی افرا؛ مقصود محمدی.....
	<b>فارسی‌نویسی فیلسوفان مسلمان</b>
۱۲۳	علیرضا نجف‌زاده تربتی.....
	<b>بررسی نگرش سه حکیم مسلمان به فضایل چهارگانه؛ ابن‌مسکویه، خواجه نصیر و جعفر کشفی</b>
۱۵۳	مسعود صادقی؛ امیر جلالی.....



## منشور اخلاقی نشریات بنیاد حکمت اسلامی صدرا

این منشور بمثابة اعلام ضوابطی است که در قالب آن، چارچوب اخلاقی و مسئولیتهای مربوط به انجام فعالیتهای علمی و پژوهشی و نشر آثار در بنیاد حکمت اسلامی صدرا ترسیم شده تا از بروز تخلفات علمی و پژوهشی آگاهانه یا ناآگاهانه پیشگیری نماید. مبنای تنظیم این منشور اسناد بالادستی علمی کشور، از جمله مصوبات وزارت علوم و کمیسیون نشریات علمی کشور، بایسته‌های مرسوم و تجارب اجرایی بنیاد حکمت اسلامی صدرا، بویژه آموزه‌های قرآنی و اسلامی است. بدیهی است چنانچه موردی در قالب این منشور ارائه نشده باشد، بمعنای استثنا و خروج آن از ذیل قواعد و عدم لزوم رعایت آن نیست و بنا به اقتضاء و تجارب جدید، این منشور به روزرسانی خواهد شد.

### الف) کلیات

۱. تمامی دست‌اندرکاران نشریات عام از اعضای هیئت‌تحریریه، سردبیران، مدیران و کارشناسان اجرایی- و همچنین نویسندگان مقالات ملزم به آگاهی یافتن و تبعیت از این منشور هستند. آغاز همکاری یا ارسال مقاله بمنزله پذیرش لوازم و ضوابط مطرح شده در این منشور و سایر تعهدات قانونی علمی و اداری است. در صورت احراز عدم پایبندی هر یک از افراد به این اصول و مسئولیتهای بنیاد حکمت اسلامی صدرا حق دارد هرگونه اقدام قانونی برای احقاق حقوق ضایع شده را بعمل آورد و فرد خاطی مکلف به جبران مافات خواهد بود.

۲. مسئولیت محتوا و مضمون مقالات بر عهده نویسنده/گان است. چاپ آن در نشریات بنیاد حکمت اسلامی صدرا تنها برای عرضه و تلافی افکار و نوزایی علمی صورت میگیرد و دلیل بر تأیید آن شمرده نمیشود.

۳. بنیاد حکمت اسلامی صدرا در پذیرش مقالات حق انتخاب و آزادی تام دارد و ارسال مقاله تعهدی برای چاپ ایجاد نمیکند. همچنین نشریات بنیاد حکمت اسلامی صدرا در تلخیص و ویرایش مقالات آزادند.

۴. بنیاد حکمت اسلامی صدرا از تمامی حقوق تجدید چاپ مقالات منتشر شده بصورت‌های رایج دیگر، بزبان فارسی و دیگر زبانها برخوردار خواهد بود. ارسال مقاله بمنزله پذیرش این شروط است.

۵. مقالات ارسال شده مسترد نخواهد شد.



۶. بنیاد حکمت اسلامی صدرا خود را موظف به حفظ یافته‌های علمی مقالات قبل از انتشار و مخفی ماندن نام داوران میدانند.

۷. روند داوری مقالات در نشریات بنیاد حکمت اسلامی صدرا بشرح ذیل خواهد بود؛ مقالاتی که در هر مرحله به تأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد. نخست: بررسی توسط ویراستار علمی بمنظور احراز ویژگیهای اولیه مقاله و مشابه‌سنجی با نرم‌افزارهای ضد سرقت علمی

دوم: بررسی توسط حداقل ۲ نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله بمنظور بررسی یافته‌های علمی و نوآوریهای مقاله

سوم: بررسی توسط سردبیر و اتخاذ تصمیم درباره مقاله بر اساس نظر داوران و نظر نهایی سردبیر برابر ضوابط نشریات علمی کشور

سرانجام: تصویب انتشار در هیئت تحریریه مجله.

#### ب) وظایف و تعهدات نویسندگان

۸. مقالات ارسالی باید در حوزه تخصصی هر مجله بوده و بصورت علمی و منسجم، مطابق استاندارد آن مجله تنظیم شده باشد.

۹. مقالات ارسالی باید به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی نوین باشد، از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و سلامت زبان فارسی در آن بدقت رعایت شود.

۱۰. مقالات باید حاصل پژوهش شخص نویسنده/گان باشد. دقت در پژوهش، گزارش صحیح داده‌ها و ذکر منابع الزامی است.

۱۱. نویسنده/گان مسئول صحت و اصالت محتوای مقالات خود هستند.

۱۲. چنانچه به استفاده از مطالب دیگران نیاز باشد، نویسنده/گان باید با استفاده از روشها و علائم نقل قول و ذکر دقیق مرجع استفاده شده، فقرات نقل شده را دقیقاً مشخص نمایند. در صورت نیاز، کسب اجازه کتبی و صریح صاحب نظر یا اثر برعهده نویسنده/گان است.

۱۳. بهیچ وجه مقاله یا بخشی از آن نباید قبلاً در داخل یا خارج از کشور منتشر شده یا همزمان برای داوری و چاپ به نشریه دیگری سپرده شده باشد. اگر در هر یک از مراحل داوری و انتشار، خلاف این امر روشن گردد، مقاله از دستور کار خارج خواهد شد و نویسنده/گان متعهد به جبران خسارت مادی و معنوی بنیاد حکمت اسلامی صدرا خواهند بود.

همچنین بازنویسی و تغییر صورتی پژوهشهایی که قبلاً داده‌ها و یافته‌های آنها به هر نحوی منتشر شده باشد و ارائه بصورت مقاله‌یی جدید مجاز نیست.

۱۴. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشند.

۱۵. چنانچه مقاله‌یی بیش از یک نویسنده داشته باشد، تمامی نویسندگان موظف به مطالعه مقاله و تأیید کتبی و صریح همکاری خود هستند. یکایک نویسندگان بصورت تضامنی مسئول محتوای علمی مقاله خواهند بود. همچنین اگر مقاله‌یی برگرفته از پایان‌نامه یا طرحی تحقیقاتی باشد، یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.

۱۶. در مقالات برآمده از همکاری گروهی، لازم است «نویسنده مسئول مکاتبات» بصراحت مشخص گردد. اعلام تمامی راههای تماس و دسترسی به نویسنده مسئول، اعم از تلفن ثابت، تلفن همراه، نشانی پستی و الکترونیک ضروری است.

۱۷. نویسنده مسئول موظف به اعمال نظر تمامی نویسندگان در مقاله است. همچنین باید از ذکر دقیق نام، رتبه علمی و اطلاعات تماس تمام نویسندگان همکار اطمینان حاصل کند و تأییدیه مکتوب آنها را دریافت و به دفتر مجله ارائه نماید. اگر در هر یک از مراحل داوری و انتشار، روشن گردد که تخلف یا تقلبی در اینباره رخ داده، مقاله از دستور کار خارج خواهد شد و نویسنده مسئول مکاتبات شخصاً متعهد به جبران خسارت مادی و معنوی بنیاد حکمت اسلامی صدرا خواهد بود.

۱۸. ذکر نام افراد در قالب تعبیرهایی همچون «نویسنده افتخاری» و «زیر نظر» مجاز نیست.

۱۹. پیگیری نظر مجله درباره مقالات بر عهده نویسنده مسئول است.

۲۰. ارسال مقاله بمنزله آن است که نویسندگان رضایت تمامی پشتیبانهای مالی یا مکانی مقاله را جلب کرده و آنها را معرفی نموده‌اند.

۲۱. نویسنده/گان موظفند در صورت مشاهده هر گونه خطا و بی‌دقتی در مقاله خود، حداکثر یک ماه پس از انتشار، به دفتر مجله اطلاع دهند تا نسبت به اصلاح آن اقدام گردد.

۲۲. نویسنده/گان باید نمونه‌های ارسالی مقاله و اطلاعات خام مورد استفاده در تهیه مقاله را تا یک سال پس از چاپ آن در مجله، نزد خود نگهداری نمایند تا در صورت نیاز پاسخگوی انتقادات و سؤالات احتمالی خوانندگان باشند.

۲۳. نویسنده/گان موظف به رعایت تمامی اصول اخلاقی و موازین پژوهشی و نشر آثار هستند. اگر در هر یک از مراحل داوری، ویرایش، چاپ و حتی پس از انتشار مقاله، وقوع یکی از موارد ذیل محرز گردد، تخلف محسوب شده و بنیاد حکمت اسلامی صدرا حق برخورد قانونی دارد:

**سرقت علمی:** استفاده عمدی یا غیر عمدی، دانسته یا بی‌ملاحظه از افکار و اندیشه‌ها،

جملات و عبارات، ادعاها یا استنادات دیگران بدون ذکر نام، منبع و استناد مناسب به اثر، صاحب اثر، سخنران یا هر ذیحق دیگر

**اجاره علمی:** بکارگیری فرد دیگری برای انجام پژوهش و تألیف مقاله

**جعل داده‌ها:** گزارش مطالب غیر واقعی و ارائه داده‌ها یا نتیجه‌های ساختگی بعنوان یافته‌های شخصی

**تحریف داده‌ها:** دستکاری در مواد، ابزار و فرایند پژوهشی یا تغییر و حذف داده‌ها بنحوی که سبب غیر واقعی شدن نتایج پژوهش گردد.

**انتساب غیر واقعی:** اعلام دروغین یا قبل از رسمیت یافتن همکاری نویسنده/گان با مؤسسه، مرکز یا گروه آموزشی و پژوهشی بعنوان محل فعالیت یا حامی نویسنده/گان

### ج) وظایف داوران

داوران در بررسی مقالات، باید نکات ذیل را مد نظر داشته باشند:

۲۴. اطلاع‌رسانی به دفتر نشریه بمحض دریافت مقاله برای داوری، درباره پذیرش یا عدم پذیرش داوری؛ در صورت مرتبط نبودن موضوع مقاله با تخصص آنها، دینفع بودنشان به هر نحو در انتشار آن مقاله یا روابط شخصی با نویسنده/گان

۲۵. بررسی دقیق کیفی، محتوایی و علمی مقالات و اعلام نقاط قوت و ضعف مقاله بصورتی سازنده و صریح

۲۶. داوری مقالات باید بر اساس مستندات علمی و استدلال کافی انجام شود و از هرگونه اعمال نظر سلیقه‌یی، شخصی، صنفی، نژادی، مذهبی و... خودداری گردد.

۲۷. داور موظف به مطالعه دقیق تمام مقاله است و نباید تنها بر اساس مطالعه بخشی از مقاله درباره پذیرش یا رد آن تصمیم بگیرد.

۲۸. حصول اطمینان از ارجاع‌دهی دقیق و کامل درباره تمامی مطالب و نقل قولهایی که از آثار دیگران آورده شده و درج کامل و دقیق اطلاعات کتابشناسی منابع مقاله، و ذکر نواقص در فرم داوری

۲۹. تلاش برای جلوگیری از هرگونه مصداق غیر اخلاقی و غیر حرفه‌یی در تنظیم مقاله، بویژه موارد مذکور در بند ۲۳ این منشور، و اعلام مستند تخلفات به دفتر مجله

۳۰. وقت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در روند داوری ضروری است.

۳۱. داور حق ندارد خود بر اساس سلیقه شخصی، مقاله را اصلاح یا بازنویسی نماید.

۳۲. داور مکلف به امانتداری و حفظ اطلاعات و جزئیات، داده‌ها، مفاهیم جدید و یافته‌های پژوهشی مقالات است و حق ندارد قبل از انتشار آنها را برای کسی بازگو کند



یا از آنها بنفع خود یا علیه دیگران استفاده نماید. پس از انتشار مقاله نیز داور حق انتشار جزئیاتی فراتر از آنچه در مجله چاپ شده را ندارد.

۳۳. در فرایند داوری باید بدقت و کاملاً از خلط مقام داوری و مقام نقد پرهیز گردد.

۳۴. داور نباید ارزیابی مقاله را به فرد دیگری بسپارد. در صورت استفاده جزئی از همکاری فردی دیگر، باید مراتب به دفتر مجله اطلاع داده شود و اطلاعات فرد همکار بطور جزئی و دقیق در دفتر مجله ثبت گردد.

۳۵. داور اجازه تماس مستقیم با نویسنده/گان مقالات در دست داوری را ندارد. هرگونه تماس با نویسندگان مقالات فقط از طریق دفتر مجله انجام خواهد گرفت.

#### د) وظایف سردبیر و اعضای هیئت تحریریه

۳۶. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله از میان صاحبانظران و متخصصان پیشکسوت و خوشنام آن حوزه انتخاب میشوند و باید دارای روحیه مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، حقیقت‌جویی، انصاف و بیطرفی، پایبندی به اخلاق حرفه‌ای و رعایت حقوق دیگران باشند.

۳۷. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه باید برای حفظ و ارتقای کیفیت نشریه و معرفی آن در مجامع علمی داخلی و خارجی تمام تلاش خود را بکار گیرند.

۳۸. اختیار و مسئولیت انتخاب داوران و قبول یا رد مقالات (مستند به نظر داوری) بر عهده سردبیر و اعضای هیئت تحریریه است و نباید در انجام این مهم اعمال سلیقه شخصی نمایند.

۳۹. سردبیر باید در انتخاب داوران شایسته با توجه به زمینه تخصصی و تجربه علمی و کاری آنها دقت کافی بعمل آورد و بر صحت انجام وظایف داوری نظارت دقیق و کامل داشته باشد و از داوریه‌های مغرضانه، بی‌اساس یا تحقیرآمیز جلوگیری کند.

۴۰. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه موظف به تصمیم‌گیری درباره پذیرش یا رد مقاله و اعلام نتیجه به نویسنده/گان در اسرع وقت ممکن هستند.

۴۱. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مکلف به امانتداری و حفظ محرمانه اطلاعات و یافته‌های مقالات هستند و اجازه ندارند از محتوای مقالات قبل از انتشار یا بیش از آنچه در

۷

مجله منتشر میشود، بنفع خود یا له/علیه دیگران استفاده نمایند.

۴۲. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه باید از تداخل منافع و برقراری هر گونه ارتباط شخصی، تجاری، دانشگاهی و مالی که بالقوه بر پذیرش مقالات تأثیرگذار باشد، جلوگیری نمایند.

۴۳. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه نباید در چاپ آثار خود مدعی سهم‌خواهی شوند.

۴۴. سردبیر مجله موظف است آثار متهم به عدول از موازین پژوهشی و نشر را با دقت و



جدیت بررسی نموده و اقدام شایسته را بعمل آورد. سردبیر موظف است آثار متخلفان را در هر مرحله‌یی که باشد از فرایند نشر خارج کند و در صورت احراز تخلف پس از انتشار مقاله، مراتب را بنحو شفاف، صریح و در اسرع وقت به اطلاع خوانندگان، مراجع نمایه‌سازی و دیگر ذینفعان برساند.

۴۵. سردبیر موظف به نظارت بر تمامی فرایند ویراستاری و چاپ مقالات است. چنانچه در انتشار مقاله‌یی از سوی دست‌اندرکاران مجله خطا یا بیدقتی رخ دهد، سردبیر موظف است در اسرع وقت نسبت به انتشار اصلاحیه و اطلاع‌رسانی شفاف اقدام مقتضی را بعمل آورد.

۴۶. سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله باید بطور مستمر نظرات نویسندگان، خوانندگان و داوران مجله در مورد بهبود سیاست‌های انتشاراتی و کیفیت شکلی و محتوایی مجله را جویا شوند و نسبت به بروزرسانی شاخصه‌ها اقدام نمایند.

#### ه) وظایف و تعهدات مدیران اجرایی، کارشناسان، ویراستاران و...

۴۷. مدیران اجرایی موظفند با همکاری سردبیر و اعضای هیئت تحریریه یک بانک اطلاعاتی جامع از داوران و نویسندگان تهیه و بروزرسانی نمایند.

۴۸. مدیران اجرایی موظفند نسبت به ثبت و آرشیو اسناد داوری مقالات بعنوان اسناد علمی، و محرمانه نگاه داشتن اسامی داوران هر مقاله اقدام لازم را انجام دهند.

۴۹. هیچیک از دست‌اندرکاران مجلات، اعم از مدیران، کارشناسان، ویراستاران، مترجمان و دیگر عوامل اجرایی اجازه مداخله بیش از آنچه به آنها واگذار شده در فرایند داوری و انتشار مقالات را ندارند. تمامی آنها مکلف به امانتداری و حفظ محرمانه اسناد اداری و جزئیات مقالات هستند و اجازه بهره‌برداری شخصی از اطلاعات منتشر نشده در مجله را ندارند.

۵۰. تمامی دست‌اندرکاران مجلات، بویژه مدیران اجرایی و ویراستاران مکلفند حداکثر تلاش خود را برای جلوگیری از تخلف از موازین پژوهشی و نشر و همچنین ارتقای کیفیت مجله بعمل آورند.

#### تنفیذ و تأیید حضرت آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا:

«و بفرجام و ضمن دعای خیر برای همه کسانی که مخاطب این منشور اخلاقی هستند، تأکید میشود که در همه موارد خدای علیم حکیم را ناظر بدانند و خدمات خود را برای رضا و پاداش او به انجام برسانند. والسلام و رحمه الله».





## راهنمای تدوین مقاله

بنیاد حکمت اسلامی صدرا (که در ادامه به اختصار «بنیاد» نامیده شده) در حال حاضر سه نشریه منتشر میکند که هر یک حوزه تخصصی مشخصی دارند. زبان رسمی نشریات بنیاد فارسی است، به همراه ترجمه انگلیسی چکیده مقالات. ارسال مقاله برای هر نشریه بمعنای پذیرش شرایط بنیاد و واگذاری تمامی حقوق انتشار و بازنشر آثار پذیرفته شده به سایر روشهای مرسوم است. ارسال مقاله حقی برای چاپ ایجاد نمیکند و بنیاد در پذیرش، رد و ویرایش مقالات آزاد است. مقالات دریافتی بازگردانده نمیشوند. مقالات مردود یا انصرافی، پس از شش ماه از بایگانی مجله خارج خواهند شد.

**فرایند ارزیابی مقالات** دریافتی بترتیب ذیل خواهد بود؛ بدیهی است مقاله‌یی که در هریک از مراحل فوق به تأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.

۱. راستی‌آزمایی با نرم‌افزارها و سامانه‌های مشابه‌یاب بمنظور جلوگیری از سرقت علمی

۲. بررسی ویراستار علمی

۳. داوری دو نفر از اساتید متخصص در موضوع مورد بحث

۴. تصمیم‌گیری هیئت تحریریه و سردبیر.

نویسنده/ نویسندگان باید کتباً متعهد شوند که تمامی قواعد حقوقی و اخلاقی انتشار مقاله را رعایت نموده‌اند. مقالاتی که با مندرجات این راهنما مطابقت نداشته باشند، بررسی نخواهند شد.

### الف) حوزه تخصصی نشریه تاریخ فلسفه

«فصلنامه علمی» تاریخ فلسفه بطور تخصصی (بترتیب اولویت) در زمینه‌های زیر

مقاله میپذیرد:

۹ - ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، پیوند اندیشه فیلسوفان و مکاتب فلسفی با زمانه و شرایط اجتماعی و فکری، تعامل اندیشه‌ها، اثرگذاری اندیشه‌های فیلسوفان بر جامعه و تفکر پس

از خود و... مطالعات تطبیقی تاریخ فلسفه

- مطالعات درباره اندیشه‌های حکمی و فلسفی ایرانی و اشراقی

- موضوعات و بایسته‌های تاریخ‌نگاری فلسفه

- تاریخ فلسفه اسلامی

- تاریخ فلسفه باستان

- فلسفه‌های مشرقی



### ب) شرایط پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی باید در زمینه تخصصی هر نشریه باشند، به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشند و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشند.
- مقالات باید حاصل پژوهش خود نویسنده/ نویسندگان باشد و چنانچه در مرحله‌ی سرقت علمی-ادبی مقاله‌ی احراز شود، مقاله از دستور کار خارج و نویسنده/ نویسندگان مکلف به جبران خواهند بود.
- مسئولیت محتوا و مضمون مقالات برعهده نویسنده/ نویسندگان است و چاپ آن در نشریات بنیاد تنها برای عرضه و تلاقی افکار و نوزایی علمی است، نه دلیلی بر تأیید تام محتوای آن
- مقالات باید از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و سلامت زبان فارسی در آنها بدقت رعایت شود.
- اگر مقاله‌ی برگرفته از پایان‌نامه تحصیلی یا طرحی تحقیقاتی باشد، یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- در مقالات برگرفته از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان قواعد دانشگاه متبوع باید رعایت شود و به اطلاع نشریه برسد. این مقالات با تأیید مکتوب استاد راهنما پذیرفته میشوند.
- نباید تمام یا بخشی از مقاله پیشتر منتشر شده باشد یا همزمان برای نشریه دیگری ارسال گردد. ارسال مقالاتی که پیشتر خلاصه آنها در همایشها و سمینارهای داخلی و خارجی منتشر شده باشد، بلامانع است اما اصل مقاله نباید در مجموعه مقالات همایش منتشر شده باشد.
- مقالات حاصل از ترجمه پذیرفته نمیشود.
- ارسال مقاله حقی برای چاپ ایجاد نمیکند و بنیاد در پذیرش، رد و ویرایش مقالات آزاد است.
- پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات برعهده نویسنده/ نویسندگان است.
- نویسنده/ نویسندگان محترم پیش از ارسال مقاله، پیشینه آثار منتشر شده درباره موضوع مقاله را بررسی نمایند تا از ارسال مقالات تکراری جلوگیری شود.

### ج) ساختار و صورت مقالات

- مقاله باید دارای ساختار منظم باشد؛ شامل: عنوان، چکیده (حدود ۲۰۰ کلمه)، واژگان کلیدی (حداکثر ۱۰ واژه)، مقدمه یا طرح بحث، بحث اصلی، نتیجه‌گیری، پیشنهادها



و فهرست منابع. چکیده باید شامل اهداف، روش تحقیق، مهمترین یافته‌ها و نتیجه پژوهش باشد. حجم کل مقاله از ۷۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

- ترجمه انگلیسی عنوان، چکیده و واژگان کلیدی مقاله در صفحه‌ی جداگانه افزوده شود.  
- در صفحه‌ی دیگر، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده، رتبه علمی و محل فعالیت او (هرکدام به دو زبان فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، شماره تلفن همراه و رایانامه (ایمیل) نویسنده/ نویسندگان بطور دقیق ذکر شود. املاي انگلیسی نام نویسنده/ نویسندگان مطابق صورت نوشتاری همین صفحه در مقالات منتشر شده درج خواهد شد.  
- رعایت اصول نشانه‌گذاری و نیز برجسته کردن نقل قولها، ضروری است.  
- نامهای غیرفارسی، ابتدا بزبان فارسی نوشته شوند و املاي زبان اصلی آنها داخل پرانتز ( ) بیاید.

- ارجاعات و معادلهای غیرفارسی بصورت «درون متنی» و مطالب توضیحی و تکمیلی فرعی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، بصورت «پی‌نوشت» تنظیم شوند. نام کتابها بصورت /یتالیک (شکسته) و نقل قولها دارای تورفتگی از راست و چپ باشند.  
- بنیاد در آثار منتشر شده از رسم‌الخط اختصاصی پیروی میکند. اگر این رسم‌الخط از ابتدا رعایت شود، فرایند انتشار اثر سرعت پیدا میکند اما بدلیل احتمالی عدم آشنایی نویسنده با این رسم‌الخط، رعایت آن الزامی نیست و در هنگام انتشار ویراستاران بنیاد آن را اعمال خواهند کرد.

- مقالات در برنامه Word با قلم فارسی B Nazanin اندازه ۱۴، قلم انگلیسی Times New Roman اندازه ۱۱، قلم عربی B Badr اندازه ۱۳، حروفچینی شوند، فاصله میان سطرها یک (single) باشد. عنوانهای اصلی و فرعی، و نقل قولها مشخص و برجسته شوند.

### نحوه ارجاع‌دهی

- ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، داخل پرانتز و مطابق الگوی زیر باشد:  
**نام خانوادگی یا شهرت نویسنده، سال انتشار: شماره جلد/ شماره صفحه.**  
مثال: (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۱/ ۷۵) = صفحه ۷۵ در جلد یکم/سفر.  
- در آثاری که دارای دو نویسنده هستند نام خانوادگی هر دو نویسنده و آثاری که بیش از دو نویسنده دارند، نام خانوادگی نویسنده اول و واژه «همکاران» درج شود. عباراتی که بدون مراجعه به منبع اصلی، از نوشته دیگران نقل قول شده است، بصورت (بنقل از ....، سال: صفحه) تنظیم شود.

۱۱

- منابع اینترنتی بصورت (نام خانوادگی نویسنده، آدرس پایگاه: تاریخ دسترسی به روز/ ماه/ سال) تنظیم شوند؛ مثال: (خامنه‌ای، mullasadra.org: ۱۳۹۸/۴/۳). در مواردی که نام نویسنده مشخص نشده باشد، عنوان مطلب (داخل گیومه) ذکر شود؛ مثال: «آیا همه حقایق در تاریخ فلسفه آمده است؟»، mullasadra.org: ۱۳۹۸/۴/۳). در صورت طولانی بودن عنوان مطلب، چند واژه ابتدایی عنوان نوشته شود و سپس از ... (سه نقطه) استفاده شود.

- مواردی که ارجاع به همان نویسنده منبع پیشین باشد، بصورت (همو/ idem: سال: جلد/ صفحه)؛ اگر ارجاع به همان منبع پیشین باشد، بصورت (همان: شماره صفحه)؛ اگر مجلدی دیگر از همان منبع باشد، بصورت (همان/ ibid: جلد/ صفحه) و اگر عیناً همان شماره صفحه منبع پیشین باشد، بصورت (همانجا/ al) تنظیم شود.

- در مواردی که به بیش از یک اثر نویسنده/ نویسندگان در همان سال ارجاع شده باشد، منابع با افزودن الف/ ب/ ج/ د... به سال انتشار، از هم تفکیک شوند؛ مثال: ۱۳۹۱ الف؛ ۱۳۹۱ ب؛ ۱۳۹۱ ج و...

- ارجاع به منابع غیرفارسی به همان زبان اصلی منبع باشد.

- ارجاع به آثار ملاصدرا منحصراً باید بر اساس چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا باشد. ترجمه فارسی آثاری که به همت ناشری دیگر منتشر شده باشند، از این قاعده مستثنی است.

### نحوه تنظیم فهرست منابع

در فهرست پایانی منابع مقاله تنها منابعی که در متن به آنها ارجاع شده درج شود و مطابق الگوی زیر، بترتیب الفبایی نام نویسندگان تنظیم گردد.

**کتابها:** نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار) **عنوان کتاب بصورت بولد و ایتالیک**، نام و نام خانوادگی مصحح، ویراستار، مترجم، محل نشر: ناشر.

**مثال:** ملاصدرا (۱۳۹۱) **المظاهر الالهية في أسرار العلوم الكمالية**، تصحیح، تحقیق و مقدمه آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

- کتابی که با عنوان یک نهاد یا ناشر چاپ شده است، نام آن نهاد بجای نام نویسنده قرار میگیرد.

**مقالات نشریات:** نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار) «عنوان مقاله» داخل گیومه، **نام نشریه بصورت بولد و ایتالیک**، صاحب امتیاز، دوره و شماره، شماره صفحات درج مقاله.

**مثال:** خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۹۲) «ملاصدرا و تصوف»، **خردنامه صدرا**، شماره ۷۳، ص ۵-۸.



مقالات منتشر شده در کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار) «عنوان مقاله» داخل گیومه، نام کتاب بصورت بولد و ایتالیک، نام و نام خانوادگی مصحح، ویراستار، مترجم، محل نشر: ناشر، شماره جلد، شماره صفحات درج مقاله.

مثال: خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۹۲) «نکات و اسراری از اسرارالآیات ملاصدرا»، انسان در گذرگاه هستی، جلد ۳، ص ۲۵۴-۲۲۵.

پایان نامه‌ها: نام خانوادگی نگارنده پایان‌نامه، نام (سال دفاع). عنوان پایان‌نامه بصورت بولد و ایتالیک، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد/ دکتری، گروه آموزشی، دانشکده، دانشگاه.

مثال: کلباسی اشتری، حسین (۱۳۷۸) مکتب ابن رشدی لاتینی، برهنمایی کریم مجتهدی، پایان‌نامه دوره دکتری، گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران. آثار منتشر شده در اینترنت: نام خانوادگی نویسنده، نام (تاریخ انتشار یا دسترسی) عنوان مطلب بصورت بولد و ایتالیک، نام پایگاه/سایت، پیوند/ لینک مطلب.

مثال: خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۹۸/۴/۳) آیا همه حقایق در تاریخ فلسفه آمده است؟، پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد حکمت اسلامی صدرا،

[http://mullasadra.org/new\\_site/persian/Paper Bank/Tarikh Falsafe/bargaval.htm](http://mullasadra.org/new_site/persian/Paper Bank/Tarikh Falsafe/bargaval.htm)

منابع صوتی و تصویری: نام خانوادگی صاحب اثر، نام (تاریخ انتشار) عنوان مطلب بصورت بولد و ایتالیک، نوع منبع، ناشر.

مثال: خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۹۷/۲/۲۶) پیوند وجودشناختی نیایش و فلسفه، فایل صوتی سخنرانی در بیست و دومین همایش بزرگداشت ملاصدرا، بنیاد حکمت اسلامی صدرا. - نام نویسندگان منابعی که بیش از یک نویسنده دارند، بطور کامل ذکر شود و با علامت نقطه‌ویرگول (؛) از هم جدا شوند: نام خانوادگی نویسنده اول، نام؛ نام خانوادگی نویسنده دوم، نام؛ ....

۱۳ - منابع مرجع به ترتیب الفبا در ابتدای فهرست قرار گیرند. قرآن، متون مقدسی همچون نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و... لغت‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌هایی که مدخل‌های آن نویسنده جداگانه ندارد، در این دسته جای می‌گیرند. اگر از ترجمه مشخصی از قرآن، نهج‌البلاغه و... استفاده شده باشد، ذکر اطلاعات کتابشناسی آن نیز ضروری است. - در صورت مشخص نبودن تاریخ، محل نشر یا ناشر به ترتیب از عبارتهای بی‌تا، بی‌جا و بی‌نا استفاده شود.



- اگر معرفی آثاری بیش از منابع استفاده شده، برای آشنایی خواننده ضروری شمرده میشود، در انتهای فهرست منابع ذیل عنوان «منابعی برای آگاهی بیشتر» با همان الگوی بالا دسته‌بندی شوند، نه در لابلای فهرست منابع.

#### (د) نحوه ارسال مقاله

- مقالات ترجیحاً از طریق سامانه اینترنتی مجله به آدرس ذیل ارسال گردد:  
[hop.mullasadra.org](http://hop.mullasadra.org)  
- در صورت وجود مانعی برای ارسال از طریق سامانه، مقالات به نشانی رایانامه (ایمیل) [siprin@mullasadra.org](mailto:siprin@mullasadra.org) ارسال گردد. حتماً در بخش «subject» رایانامه، عبارت «مربوط به مجله تاریخ فلسفه» قید شود.  
- ارسال فایل Word و PDF مقاله، هر دو، ضروری است.

## سخن سردیبر

تقسیمبندی برخی شاخه‌های دانش، مانند طب و ریاضی و هیأت و فیزیک و منطق، برحسب قدیم و جدید بر چه مبنا و با چه ملاکی صورت گرفته و میگیرد؟ بنظر میرسد معنای دو واژه «قدیم» و «جدید» در عرف با آنچه در فلسفه از آن اراده میشود، تفاوت داشته باشد. معنای شایع و متداول قدیم، مترادف با امر کهنه و منسوخ است و شاید برخی گمان کنند این حکم در مورد مثلاً طب و ریاضی قدیم نیز صادق است. فارغ از میزان اعتبار و حتی ملاک یا ملاکهای اعتبار فلان رشته از رشته‌های علوم در وصف قدیم و جدید آن، با رجوع به مبانی یا مبادی این دانشها - که البته از شئونات فلسفه و دغدغه فیلسوف است - میتوان به افقهایی نو در اعتبارسنجی «دانش جدید» در مقابل «دانش قدیم» دست یافت. اجازه دهید با ذکر مثال، مطلب قدری روشنتر شود.

ریاضیات قدیم از زمره ساحتیهایی است که هم بلحاظ وسعت و دامنه و هم بلحاظ کاربرد آن در ساحت علم و فناوری بشر، سابقه‌یی بس طولانی، بویژه در مشرق زمین، دارد. فعلاً به اینکه موطن اصلی این دانش مصر بوده است یا بابل یا ایران یا هند، کاری نداریم (هرچند در فهم میزان وامداری غرب به شرق بسیار مؤثر است)؛ نکته محوری گفتگوی ما بر سر اینست که چرا بگمان برخی از اهل علم، مطالعه صورتهای قدیم ریاضیات و تلاش برای فهم ساختار و بنیانهای معرفتی آن، کاری عبث و اتلاف وقت است؟ این مسئله درباره طب و نجوم و فیزیک قدیم نیز صادق است. امروزه نزد دانشجویان و محصلان این رشته‌ها، اگر نه بنحو مطلق، ولی بنحو نسبی این تلقی وجود دارد که وصف قدیم یعنی همان منسوخ و از اینرو هیچ بار معرفتی بر چنین دانشهایی مترتب نیست. البته نمیتوان تردید کرد که امروزه اغلب قضایا و گزاره‌های دانشی مانند هیات و فلکیات قدیم از اعتبار ساقط شده و در برابر یافته‌ها و نوآوریهای علمی بشر، فاقد ارزش معرفتی است، اما در عین حال،

۱۵



مبانی وجودشناختی و کیهان‌شناختی این دانش و مقولاتی چون حقیقت عدد، شکل و حجم و از این مهمتر، نقش و بازتاب این دانش در فهم ساختار عالم و غایات آن، هنوز هر ذهن کنجکاوی را بخود مشغول میکند.

تلاقی و حتی امتزاج ریاضیات و فلسفه و هیات در ادوار گذشته، ناشی از خلط موضوعی این دانشها نبوده است بلکه در اصل از ریاضیات وجودشناسانه و وجودشناسی ریاضی در آن عهد حکایت میکند. فیلسوف، عالم را در بهترین صورت و نقش آن، یعنی نظم ریاضی‌وار میفهمید و ریاضیدان، به آهنگ و جهت عقلی حرکت کائنات و غایت و نهایت آن مینگریست. هر دو - و در واقع یک تن - همه چیز را در آیینۀ وجود و در نسبت با آن مشاهده میکرد و از اینرو اصل وحدتبخش و نهایی نهفته در پهنۀ کثرات را جستجو میکرد. همین نگاه و منظر بود که مرزی میان دانش و اخلاق نمیدید و اساساً غایت اصلی دانش را در تربیت و کمال آدمیان میدانست.

این نگاه، امروز در لابلای اندیشهٔ تکنیکی و تحصلی مفقود شده و در عرصهٔ آموزش و تعلیمات بشر مدرن خریداری ندارد؛ هرچه هست گویا بر مدار نتیجه و برابند محصل استوار است، لیکن با تصدیق نتایج شگفت‌انگیز دانش نوین و دستاوردهای گوناگون فناورانه، طرح این پرسش نیز موجه است که آیا تمامی ظرفیتهای دانش قدیم - و نه منسوخ - برای بشر امروز روشن شده است؟ اگر روشن شده، پس از چه روی در روزگار ما، گروه‌های زیادی از دانشمندان و پزشکان، به طب قدیم و ظرفیتهای نهفته در آن در تشخیص و علاج بیماریها روی آورده‌اند. تکلیف برخی سوداگران و عالم‌نمایان را از این امر جدا کنیم؛ همیشه و همه جا کسانی بوده و هستند که از علم بهره‌ی ندارند و به شیادی زندگی را میگذرانند. در اینجا سخن از پیکره‌ی از دانش کهن است که مجهز به شناخت وجود و متصل به آنست و از اینرو همانند خود وجود از ظرفیتهای بیکران برای الهام و راهبری بشر برخوردار است. حاصل آنکه، اگر آموزگاران به متعلمان خویش بیاموزند که علم همانند کالا نیست که متروک و منسوخ شده، بکلی از اعتبار و فایده بیفتد و سرانجام از میدان خارج شود، شاید در اعتماد و البته اتکاء افراطی به علم تجربی و دستاوردهای آن نیز قدری تعدیل حاصل گردد یا دست‌کم در تعیین و تنقیح مناط ارزش گزاره‌های علمی درنگ شود.

حسین کلباسی اشتری





## تحلیل انتقادی اندیشه‌های هانری کربن دربارهٔ

### تطبيق فلسفه سهروردی با فلسفه یونان

سیدعلی علم‌الهدی<sup>۱</sup>؛ علیرضا پارسا<sup>۲</sup>؛ مرضیه اخلاقی<sup>۳</sup>؛ حسن سیدعرب<sup>۴</sup>

#### چکیده

هانری کربن، مفسر غربی فلسفه اشراق سهروردی است. اندیشهٔ او در تفسیر این فلسفه مبتنی بر تأویل، پدیدارشناسی، نظریهٔ فراتاریخ و فلسفهٔ تطبیقی است. نوشتار حاضر نخستین نوشتاری است که به این موضوع پرداخته و هدف آن بررسی انتقادی اندیشه‌های کربن دربارهٔ تطبيق فلسفهٔ سهروردی با فلسفهٔ افلاطون، ارسطو و نوافلاطونیان است. این مقاله به نوآوریهای سهروردی پرداخته است تا بدینوسیله وجه تمایز اندیشهٔ او از آن فیلسوفان بیان گردد. در نتیجه‌گیری نیز پس از جمع‌بندی مطالب، نقدی کلی به روش‌شناسی کربن و کاستیهای آن مطرح شده است. فلسفهٔ تطبیقی - که گاه فلسفهٔ بینافرهنگی

۱۷

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور؛ alamoalhoda53@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور؛ alirezaparsa1214@gmail.com

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور؛ akhlaghimarziye@yahoo.com

۴. دانش‌آموخته دوره دکتری فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور و استادیار بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی (نویسندهٔ مسئول)؛

h.arab@rch.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳۱



نیز نامیده میشود. رشته‌بی از مطالعات فلسفی است که در خلال آن فیلسوفان با نظر به مبانی اندیشهٔ فلاسفه از جریانهای فرهنگی، زبانی و فلسفی متفاوت، به مسائل فلسفی میپردازند و اختلاف و اشتراک آراء آنان را مطالعه میکنند. بعقیدهٔ کربن، فلسفهٔ تطبیقی راهگشای درک صحیح تفکر در تاریخ فلسفه است و او بر این مبنا فلسفهٔ اشراق را با افلاطون و ارسطو تطبیق داده است. بنظر وی این فلسفه برگرفته از دیدگاههای افلاطون است. این وجه نظر مسبوق به اصالت فلسفه در یونان نزد اوست. کربن سهروردی را افلاطون جهان اسلام دانسته است. دیدگاه کربن نوآوریهای سهروردی و تفاوت اندیشهٔ او با افلاطون و نیز انتقاد وی به ارسطو را نادیده میگیرد.

**کلیدواژگان:** کربن، سهروردی، فلسفه یونان، افلاطون، ارسطو، نوافلاطونیان، مسیحیت، فلسفهٔ تطبیقی.

\* \* \*

#### مقدمه

بخش قابل توجهی از مطالعات کربن مربوط به تصحیح آثار و تفسیر آراء سهروردی است. او به بررسی اثرپذیری سهروردی از فلسفهٔ یونان پرداخته و معتقد است سهروردی اندیشهٔ افلاطون را بتفصیل بیان کرده است بگونه‌یی که مبحث عالم مثال برگرفته از نظریهٔ مُثُل نزد افلاطون است. بیتوجهی کربن به منطق موجب شده در تطبیق فلسفهٔ اشراق و ارسطو به بررسی انتقادهای سهروردی از وی در منطق توجه نکند. او حتی در تصحیح بعضی نوشته‌های سه‌گانه سهروردی در منطق، طبیعیات و الهیات، از انتشار بخش منطق غفلت کرده است.

بخش دیگر مطالعات کربن ناظر به تأثیر سهروردی از نوافلاطونیان است. بنظر وی اشراق و عرفان سهروردی از نوافلاطونیان سرچشمه گرفته است. این تصور موجب گردید اصول فلسفه اشراق را نیز برگرفته از آنان بدانند. مطالعات کربن در این

۱۸



## مفهوم‌شناسی و جایگاه «بهمن» در متون اوستایی و پهلوی

### بمنابه صادر اول در حکمت اشراقی

حسن بلخاری قهی\*

#### چکیده

«اول ما خلق الله العقل» که در بسیاری متون اسلامی ذکر گردیده و توسط حکمای بزرگی چون شیخ اشراق و ملاصدرا (در شرح اصول کافی) مورد استناد و تأکید قرار گرفته، روایت مشهوری در متن احادیث اسلامی است و از آن روشنتر، «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ»<sup>(۱)</sup> این معنا با رجوع و تطبیق با جایگاه عقل در حکمت یونانی که معادل وجود است، اهمیت و جایگاه عظیمتری نیز می‌یابد. شیخ اشراق بعنوان صدرالحکماء اشراقی چنانکه در رساله فی حقیقة العشق (ص ۲۶۸) تصریح کرده، به این روایت مشهور وقوف داشته است. حال پرسش مقاله حاضر اینست که با توجه به این تصریح و نیز نص صریح شیخ اشراق در حکمة الاشراق که خود را احیاگر حکمت ایران باستان نامیده (یا دستکم یکی از منابع اصلی حکمت خود را حکمت فهلویون دانسته) چگونه میتوان ردپای این بهره گرفتن از حکمت ایران باستان را در اندیشه او نشان داد؟

۳۹

\* استاد گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران؛ hasan.bolkhari@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۲



یکی از مهمترین حلقه‌های واسط میان حکمت او و حکمت ایرانیان، رجوع شیخ به جایگاه امشاسپندانی چون بهمن یا اردیبهشت در متون اوستایی و پهلوی و قرار دادن آنها بعنوان ارکان نظام نوری و وجودی در حکمت خویش است. در این میان، او بنا به قاعده «الواحد لا یصدر منه الا الواحد»، صادر اول از حضرت نورالانوار را نور اقرب و بنا به حکمت ایرانیان باستان، بهمن خوانده است. اما چه نسبتی میان بهمن و صادر اول وجود دارد؟ بویژه اگر این صادر در اندیشه اسلامی، عقل باشد. این نوشتار با رویکردی تاریخی و تحلیلی به فلسفه انتخاب بهمن بعنوان صادر اول در اندیشه شیخ اشراق پرداخته و بویژه بهمن را بعنوان ایزد خرد و دانایی، معادل عقل در احادیث اسلامی (بعنوان صادر اول) دانسته است که البته خود نشان از بینش و شناخت عمیق شیخ از حکمت ایران باستان دارد.

**کلیدواژگان:** حکمت ایران باستان، حکمت اشراقی، شیخ اشراق، عقل، بهمن،

صادر اول.

\* \* \*

#### مقدمه

میدانیم که شیخ اشراق در برخی از آثار خود و بویژه در بیان مراتب ظهور نور در عالم، از بهمن یا وهومنه سخن گفته است. مهمترین ذکر او در این معنا قسم ثانی حکمة الاشراق و در مقاله اولی یا مقاله نور و حقیقت نورالانوار است؛ «فی النور و حقیقته و نورالانوار و مایصدر منه اولاً».

شیخ پس از بیان مقدماتی در باب بینای بودن نور از تعریف، نور را به دو قسم «فی نفسه لِنفسه» و «نور فی نفسه لغيره» تقسیم میکند. شرح تفصیلی این تقسیم را باید در حکمة الاشراق جستجو کرد اما فصل بعدی همین مقاله اختصاص به نورالانوار دارد. از دیدگاه شیخ، نور مجرد غنی واحد، نورالانوار است. این نورالانوار که بمثابة حضرت حق تعالی است، بر بنیاد قاعده فلسفی «الواحد الحقیقی لا یصدر منه الا الواحد»

۴۰



## جایگاه معرفت‌شناختی فرونیسی و اهمیت آن

### در فلسفه اخلاق ارسطو

علی ناظمی اردکانی<sup>۱</sup>؛ رضا داوری اردکانی<sup>۲</sup>؛ مالک حسینی<sup>۳</sup>

#### چکیده

فرونیسیس یا حکمت عملی یکی از فضایل عقلی است که ارسطو آن را به استعداد عمل کردن پیوسته با تفکر درست در اموری که برای آدمی نیک یا بد هستند، تعریف کرده است. عمل حاصل از این استعداد یا عمل فرونتیک، حاصل نحوه‌یی از اندیشیدن فلسفی است که در عین نظر به مبادی و اصول ثابت، به مدینه (پولیس) بمتابه بستر شکلگیری اعمال، به امور کرانمند و جزئی و متغیر بمتابه متعلقات شناخت و به انسان بمتابه عاملی مختار، نظر دارد. قاعده‌نامندی فرونیسیس و در عین حال موجه بودنش، راهکاری است تا به قواعد سخت و ثابت علمی بمتابه تنها روش موجه شناخت، تن ندهیم. ارسطو در واقع، با تمایز بخشیدن روشمند بین سوفیا یا حکمت نظری و فرونیسیس، استقلال و تحویل‌ناپذیری معرفت عملی - اخلاقی درباره آنچه

۶۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی؛ [ali.nazemi@yahoo.com](mailto:ali.nazemi@yahoo.com)

۲. استاد گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران؛ [rdavari@ias.ac.ir](mailto:rdavari@ias.ac.ir)

۳. استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)؛ [m-hosseini@srbiau.ac.ir](mailto:m-hosseini@srbiau.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۵



درست است را پایه‌گذاری کرده است؛ تأمل‌ورزی عملی را نمیتوان به براهین منطقی فروکاست. در فلسفه اخلاق ارسطو، معرفت عرضی، بمثابة معرفتی ناظر به امور کرانمند و جزئی و ممکن و متغیر، تکمله‌یی بر معرفت ذاتی بمثابة معرفتی ناظر بر امور ازلی و کلی و مبادی نخستین و ثابت واقع میشود. سوفیا و فرونسیس تنها در صورتی که بمثابة دو روی یک سکه باشند نیکبختی را در پی خواهند داشت.

**کلیدواژگان:** فرونسیس، حکمت عملی، سوفیا، حکمت نظری، معرفت عملی - اخلاقی.

\* \* \*

#### مقدمه

هایدگر در درسگفتارهای مربوط به سوفیست افلاطون، درک یونانی از هستی (being) را متأثر از نوعی تمجید عمیق از امر ابدی و ازلی و ضروری که موقعیت سوفیا را ممتاز میکرده است، میدانند. با این حال، او به این موضوع هم اشاره میکند که مفهوم فرونسیس (Phronesis) که ارسطو در اخلاق نیکوماخوس به تبیین آن پرداخته، گرچه از لحاظ ساختار بسیار شبیه سوفیا (Sophia) است اما میتواند بعنوان رقیبی اصیل در مقابل سوفیا بمثابة عالیترین امکان دازاین (Dasein) واقع شود (Long, 2002, p. 35). در عین حال، سوفیا همچنان اهمیت ارسطویی خود را نزد هایدگر حفظ کرده است. ارسطو بصراحت فعل اخلاقی را به فرونسیس که همان تشخیص خوب و بد افعال و اعمال در وقت و جای خود است، منسوب کرد و در نتیجه خیر و شر را در عالم انسانی محدود ساخت. او مجالی ایجاد کرد که در آن عمل انسانی شایستگی ورود به قلمرو دانایی و فلسفه را احراز کرد و در نهایت، بیشتر از اسلاف خود (سقراط و افلاطون) نظر را از آسمان به زمین و جهان انسانی آورد (داوری اردکانی، ۱۳۹۵: ۳۲).

۶۴



## تبیین و تحلیل آیین و مقام شهریاری در مرصادالعباد

### بر پایه اندیشه‌های حکمت خسروانی

سمیه اسدی\*

#### چکیده

به استناد تعالیم آیین مزدیسنا و آموزه‌های اهورامزدا، مقام پادشاهی در ایران باستان دارای دو جنبه دینیاری و شهریاری یا حکمت و حکومت بوده که هر دو جنبه با نیروی الهی (فرّ ایزدی) به پادشاه واگذار شده است. در حکمت اشراقی نیز نورالانوار که روشن کننده عوالم است، همان خورنه در اوستا است که در فارسی امروز به آن فرّ میگویند. بموجب «فرّ» که موهبتی ایزدی و الهی است، فرد برخوردار، شایسته مقام پادشاهی میشود و پادشاهان فاضل و عادل در صورت عدول از دادگری از این موهبت محروم خواهند شد و فرّ از آنان جدا میشود. دیدگاه نجم رازی در مرصادالعباد نیز درباره مقام شهریاران و پادشاهان و وظایف ایشان به اندیشه‌های ایران باستان و آموزه‌های مزدایی و حکمت خسروانی بسیار نزدیک است. او پادشاه را خلیفه خداوند در زمین میخواند و با تشبیه شاه به هما، بر شمول عنایت الهی بر این جایگاه و مقام صحنه میگذارد؛ چنانکه میتوان گفت آنچه در حکمت خسروانی و حکمت اشراق فرّ کیانی نام

۷۹

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت ایرانشهر؛ asadi\_somayeh61@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۵



دارد، در *مرصادالعباد* تحت عنوان قوت ربانی و تأیید آسمانی مطرح شده است. بر همین اساس رازی برای شهریاران ویژگیهایی را برمیشمارد که قابل تطبیق و مقایسه با آیین شهریاری در ادیان و آموزه‌های باستانی و حکمت خسروانی است. این پژوهش بر آنست تا با مبنا قراردادن مؤلفه‌های آیین شهریاری در حکمت‌های باستانی، بویژه حکمت خسروانی، ویژگی‌های پادشاهی در *مرصادالعباد* را برشمرده و به تبیین وجوه اشتراک و افتراق اندیشه‌های نجم رازی با مبانی حکمت خسروانی در زمینه آیین شهریاری بپردازد. نتیجه این پژوهش نشان میدهد که رازی با توجه به جایگاه تفسیر عرفانی خود و نیز توجه به معنای اشراقی و باطنی حکمت خسروانی، پادشاهی را مترادف با ولایت الهی و آموزه فلسفی «حکیم حاکم» شمرده است و بعبارت دیگر، سالک اصلی که در مرحله فی‌الخلق بالحق بسر میبرد. چنین فردی «شاه خاصی» است که بدلیل همین شایستگی مقام «شاه‌عام» یا حکمرانی بر مردم پیدا کرده است.

**کلیدواژگان:** حکمت خسروانی، آیین شهریاری، فره ایزدی، ولایت الهی، نجم رازی، *مرصادالعباد*.

\* \* \*

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

در میان بنیانهای دوازده‌گانه حکمت خسروانی، فره، پنجمین بنیان و یکی از اصلیت‌ترین بنمایه‌های این حکمت است. بر اساس مبانی حکمت خسروانی، در حقیقت صاحب فره ایزدی، کسی است که ایزد و هستی او را یاری میکند تا در هستی بیفزاید و به هستی افزوده شود. از همینرو، فره - بمعنی عنایت و برکت ایزدی- در ایران باستان مخصوص شاهان بوده است. به بیان دیگر، فره شکوه و جلالی است که دارنده آن «همچون سایه خداوند بر روی زمین» عمل خواهد کرد. از برکت وجود چنین کسی که از چنین صفاتی برخوردار باشد،

۸۰





## جایگاه و زمانه فخرالدین سماکی در تاریخ فلسفه اسلامی

### (با تأکید بر حاشیه او بر شرح هدایه میبیدی)<sup>۱</sup>

طاهره سادات موسوی<sup>۲</sup>؛ مهدی نجفی افرا<sup>۳</sup>؛ مقصود محمدی<sup>۴</sup>

#### چکیده

یکی از ضروریات تحقیق، احیای آثار اندیشمندان و حکمایی است که در تاریخ تطور و پیشبرد فرهنگ و معارف اسلامی نقش اساسی داشته‌اند ولی تاکنون بصورت یک حلقه مفقوده و مغفوله ناشناس مانده‌اند. فخرالدین سماکی معروف به محقق فخری، از جمله این حکماست که در قرن دهم هجری میزیسته است. وی شاگرد غیاث‌الدین منصور دشتکی است. از سماکی آثار قلمی مهمی چون: حاشیه بر شرح تجرید قوشچی و حاشیه بر شرح هدایه/الحکمه میبیدی بجای مانده است.

متن هدایه/الحکمه تألیف اثیرالدین ابهری، شامل سه قسم منطق، طبیعیات و الهیات است. میبیدی بر دو قسم طبیعیات و الهیات آن شرح

۱۰۳

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری است.

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ t.hmousavi@yahoo.com

۳. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)؛ mah.najafiafra@auctb.ac.ir

۴. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج؛ mmohammadi@kia.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۶



نگاشته و سماکی تنها بر دو فن اول و دوم از فنون سه‌گانه طبیعیات شرح هدایه / الحکمة میبیدی حاشیه زده است. سماکی اگرچه مانند ابن‌سینا و سهروردی، بنیانگذار مکتب خاصی نبوده ولی با بیان نقد و بررسیهای دقیق و اظهارنظرهای خاص خود در موضوعات مورد بحث از منظر متکلمان و مشائیان و اشراقیان و عرفا، در قالب آثار مستقل و غیرمستقل (شرح و حواشی) و با ارائه دیدگاههایی بدیع توانسته - بعنوان حلقه واسط - نقش مهمی در تطور تفکر فلسفی بطور کلی ایفا کند و الهامبخش صدرالمتألهین شیرازی در ظهور حکمت متعالیه نیز باشد. از جمله این دیدگاهها، تقریر متفاوت برهان سلمی و ابداع سه برهان دیگر در باب اثبات تناهی اجسام است که در این نوشتار بدان پرداخته شده است.

**کلیدواژگان:** فخرالدین سماکی، حاشیه شرح هدایه / الحکمة، تناهی اجسام،

برهان سلمی.

\* \* \*

#### مقدمه

برای سنجش غنای ارزش فرهنگی هر ملّتی، معیارها و شاخصهایی وجود دارد که دارای ارزش یکسانی نیستند. آثار مکتوب یا نسخه‌های خطی، از جمله مهمترین شاخصها و معیارهای ارزیابی، غنا و عمق و اصالت فرهنگی یک ملت است که اگر ارزشی بالاتر از سایر شاخصها و معیارها نداشته باشد، کمتر از آنها هم نیست. خوشبختانه از اندیشمندان و صاحب‌نظران پیشین ما آثار بسیار ارزشمندی<sup>۱۰۴</sup> - بویژه در حوزه علوم عقلی - برجا مانده است که حاکی از پیشرفت علم و تمدن درخشان این سرزمین است. متأسفانه تعداد قابل توجهی از این آثار ارزشمند هنوز نیز بصورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها مانده و منتشر نشده است. وجود این نسخه‌های خطی بسیار در کتابخانه‌ها، علاوه بر اینکه گواهی است بر اعتبار و ارزش والای فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، مسئولیت خطیری



## فارسی‌نویسی فیلسوفان مسلمان

علیرضا نجف‌زاده تربتی\*

### چکیده

در قرون اولیه تاریخ اسلام، در فلسفه و سایر علوم هیچ کتابی به زبان فارسی نوشته نشده است و تمامی دانشمندان مسلمان که اکثر آنها هم ایرانی بوده‌اند، آثار علمی خود را به زبان عربی نگاشته‌اند. از قرن چهارم هجری به بعد، فلاسفه ایرانی در کنار تألیفات فراوانی که به زبان عربی داشته‌اند، بتدریج آثار اندکی را به زبان فارسی خلق کرده‌اند که از آن جهت که جاده فارسی‌نویسی را برای دانشمندان دوره‌های بعد هموار نموده است، بسیار ارزشمندند. آنها زمانی این کار را آغاز کرده‌اند که زبان فارسی پس از یک دوره فترت، آمادگی و گنجایش لازم برای ادای مفاهیم و معانی انتزاعی فلسفی را نداشته است. ابن‌سینا و شاگردان او، ناصرخسرو، سهروردی، باباافضل کاشانی، خواجه نصیرالدین طوسی، قطب‌الدین شیرازی و دیگران، در تدوین نگاشته‌های فلسفی به زبان فارسی سهم بسزایی داشته‌اند. تلاش آنها در معادلسازی اصطلاحات فلسفی به زبان فارسی، زمینه را در روزگار ما برای خلق آثار فلسفی پخته‌تر فراهم کرده است. این جستار به روش توصیفی - تحلیلی، علل زبانی و ادبی غلبه زبان عربی در نگاشته‌های فلسفی را بررسی نموده و با معرفی مهمترین تألیفات فلسفی به زبان فارسی، نقش

۱۲۳

\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ najafzadeh@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۵



آنها را در توسعه و غنی‌سازی این زبان برای انتقال دانشهای فلسفی تبیین ساخته است. در پایان نیز به تأثیر آثار ترجمه شده از متون فلسفه غرب بر پرباری گنجینه لغات فارسی و ضرورت نگارش فلسفه به زبان فارسی در عصر حاضر که عربی‌دانی در آن بشدت کاهش یافته است، می‌پردازد.

**کلیدواژگان:** اصطلاحات فلسفی، فارسی‌نویسی، زبان عربی، فیلسوفان مسلمان، ترجمه، معادلسازی.

\* \* \*

### مقدمه

در قرون اولیه اسلامی کتابهای فلسفی همه به زبان عربی نگاشته میشد، اما از قرن چهارم هجری به بعد، دانشمندان ایرانی کار تألیف آثار علمی به زبان فارسی را آغاز کردند.<sup>(۱)</sup> آثار این دانشمندان اگرچه در مقایسه با آثار عربی آنها اندک است، اما همان آثار محدود از آن جهت که راه فارسی‌نویسی را برای دوره‌های بعد (تا به امروز) هموار نموده بسیار با ارزش است. برای آنکه ارزش کار و سختی و رنجی که این دانشمندان برده‌اند و دلیری و مجاهدتی که در این راه بخرج داده‌اند بهتر نمایان گردد، ضروری است اوضاع سیاسی و اجتماعی آن زمان و جایگاه و امکانات زبان فارسی را در قرون نخستین بعد از اسلام مرور کنیم تا دست‌کم علل زبانی و ادبی، عربی‌نویسی دانشمندان ایرانی و غلبه این زبان در نگارش کتابهای علمی را دریابیم.

### علل تازی‌نگاری در نگارش کتابهای علمی

در میان آنهمه آثار ارزشمند و فاخری که دانشمندان ایرانی تا پایان قرن سوم ۱۲۴ هجری تألیف کرده‌اند، حتی یک کتاب ساده کم‌مایه هم به زبان فارسی بچشم نمی‌خورد. در کنار انگیزه‌های دینی و سیاسی، عامل بسط و گسترش زبان عربی و مشکلات زبان فارسی و امکانات اندکش در آن روزگار برای ادای مطالب علمی را باید از مهمترین اسباب تازی‌نگاری نویسندگان ایرانی در نظر گرفت. با گشوده شدن مرزهای ایران بدست سپاهیان مسلمان و توسعه تصرفات خلفای عرب تا نواحی شرقی، ایرانیان چون آیین اسلام را حق یافتند در مدت



## بررسی نگرش سه حکیم مسلمان به فضایل چهارگانه؛

### ابن مسکویه، خواجه نصیر و جعفر کشفی

مسعود صادقی<sup>۱</sup>؛ امیر جلالی<sup>۲</sup>

#### چکیده

ابن مسکویه، خواجه نصیر و حکیم جعفر کشفی اگرچه هر سه دیدگاه علم‌النفسی و روانشناختی نسبتاً مشابهی دارند، به نظریه حد وسط ارسطو قائل هستند و فضایل چهارگانه حکمت، شجاعت، عفت و عدالت را اصلیت‌ترین فضایل اخلاقی بشمار می‌آورند، اما با یکدیگر اختلاف نظر نیز دارند. این مقاله ضمن تبیین دقیق اشتراکات، نقاط افتراق و اختلاف هر یک از سه حکیم در باب فضایل چهارگانه را بدقت مورد واکاوی قرار داده است. از همین روی، پس از تفکیک فضایل به اصلی و فرعی، فهرست و تعریف فضایل فرعی از نگاه هر یک از حکیمان مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت. یافته‌های نوشتار حاضر گویای آنست که بیشترین قرابت و اشتراک نظر ابن مسکویه، خواجه نصیر و کشفی مربوط به فضیلت حکمت و فضایل فرعی آن می‌گردد ولی در زمینه شجاعت، عفت و عدالت اشتراک و اختلاف نظر نسبتاً قابل توجهی میان آنها دیده میشود. مثلاً در زمینه

۱۵۳

۱. استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (نویسنده مسئول)؛ masoud.sadeghi@kums.ac.ir

۲. دانشیار گروه اخلاق دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه؛ a\_jalali@kums.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۸



فضیلت عفت، میان آراء ابن مسکویه و خواجه نصیر اختلاف نظر اندکی دیده میشود اما حکیم کشفی، هم فهرست فضایل فرعی متفاوتی از دیگر حکیمان دارد و هم بیشتر عفت را در پیوند با خویشتنداری اقتصادی و جنسی طرح میکند. فهرست و تعریف فضایل فرعی ذیل عدالت از منظر خواجه نصیر و کشفی نیز اگرچه کاملاً مشابه یکدیگر است، اما فهرست فضایل فرعی عدالت از نگاه ابن مسکویه سیزده مورد افزون بر فهرست دو حکیم دیگر دارد.

**کلیدواژگان:** حکمت، شجاعت، عفت، عدالت.

\* \* \*

#### مقدمه

ابن مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی و حکیم جعفر کشفی، بر مبنای علم‌النفس رایج در میان گذشتگان که خود نیز به آن اعتقاد راسخ داشتند، نفس آدمی را دارای سه قوه و نیروی جدا میدانند که هر یک کار ویژه خود را دارند. قوه ناطقه (نفس مَلْکِی) مسئول تفکر و تمییز و برانگیختن ذهن بسوی درک حقایق است. نیرو و قوه غضبیه (نفس سَبْعی) نیز مسئول خشم و دلیری در مقابل امور ترسناک و برانگیختن نفس برای تسلط و تصرف و تلاش برای کسب جاه و مقام است. نیرو و قوه سوم، قوه شهویه (نفس بهیمی) است که مسئول شهوت و جذب امور مفید و مغذی و برانگیختن نفس بسوی امور خوشایند است (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۷۶-۱۷۵؛ ابن مسکویه، بی‌تا: ۲۳؛ کشفی، ۱۵۴: ۱۳۸۱: ۵۴۹). ابن مسکویه علاوه بر این معتقد است مغز یا دماغ آدمی مرکز اصلی اعمال قوه ناطقه، کبد کانون اصلی قوه شهویه و قلب مرکز اعمال قوه غضبیه است (ابن مسکویه، بی‌تا: ۲۴ - ۲۳). البته حکیم کشفی بجای کبد از لفظ جگر استفاده میکند (کشفی، ۱۳۸۱: ۵۴۹). در صورتی که این سه نیروی اصلی نفس بشکلی سالم و بسامان کار کنند، آنگاه هر یک موجب پیدایش



different list of secondary virtues in comparison to the other two philosophers and oftentimes discusses piety in unity with economic and sexual self-discipline. The list and definitions of secondary virtues in relation to justice are completely similar to each other in the views of Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī and Kashfī; however, Ibn Miskawayh's list of justice-related secondary virtues contains 13 items more than those of the other two philosophers.

### Key Terms

wisdom  
piety  
Ibn Miskawayh  
Ḥakīm J'afar Kashfī

bravery  
justice  
Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī



# A Study of the Views of Three Muslim Philosophers on the Four-Fold Virtues: Ibn Miskawayh, Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, and Ḥakīm J‘afar Kashfī

*Masoud Sadeghi<sup>1</sup> and Amir Jalali<sup>2</sup>*

Ibn Miskawayh, Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, and Ḥakīm J‘afar Kashfī share relatively similar views on the soul and believe in Aristotle’s middle term. Moreover, all of them consider the four-fold virtues of wisdom, bravery, piety, and justice to be the most original moral virtues; however, they also have some disagreements with each other. This paper, while trying to accurately explain the similarities between them, aims to carefully investigate the differences among them regarding the mentioned virtues. Accordingly, after dividing the virtues into primary and secondary ones, the authors analyze and compare the lists and definitions of secondary virtues in the view of each of these philosophers with those of others. The findings of this study demonstrate that the greatest similarities between the views of Ibn Miskawayh, Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, and Ḥakīm J‘afar Kashfī pertain to the virtue of wisdom and its related virtues. However, there are some relatively noteworthy differences among them regarding bravery, piety, and justice. For example, regarding piety, there is some disagreement between the views of Ibn Miskawayh and Ṭūsī; nevertheless, Ḥakīm Kashfī provides a

23

1. Assistant Professor (corresponding author), Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran, masoud.sadeghi@kums.ac.ir
2. Associate Professor, Ethics Department, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran, a\_jalali@kums.ac.ir



and emphasizes the necessity of writing more philosophical works in Persian in the present era, in which the number of people who speak Arabic as a foreign or second language has decreased to a large extent.

### Key Terms

philosophical terms  
Muslim philosophers

Persian writing  
finding equivalents

# Creation of Persian Works by Muslim Philosophers

*Alireza Najafzadeh Torbaty\**

As far as we know, no book was ever written in Persian during the early centuries of the history of Islam on philosophy or any other field, and all Muslim scientists and scholars, who were mostly Iranian, wrote their scientific works in Arabic. From fourth century (AH) onwards, Iranian philosophers gradually started writing a limited number of their works in Persian alongside the many works in Arabic. This was an invaluable endeavor since it paved the way for later scholars to write in Persian. They did so at a time when Persian, after an interval, lacked the necessary capacity for the expression of abstract philosophical concepts and meanings. Ibn Sīnā and his students, Nāṣir Khusraw, Suhrawardī, Bābā Afḍal Kāshānī, Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, Quṭb al-Dīn Shīrāzī, and many others played a significant role in writing philosophical works in Persian. Their attempts at finding Persian equivalents for Arabic philosophical terms have been of great value to Iranian philosophers of the modern period to create Persian philosophical works. Following a descriptive-analytic method, this paper investigates the linguistic and literary reasons behind the dominance of Arabic over philosophical writings. Moreover, through introducing the most important philosophical writings in Persian, it explains their role in the development and enrichment of this language for the transfer of philosophical knowledge. Finally, the author discusses the effects of translated western philosophical works on the enrichment of the treasure of Persian lexicon

21

---

\* Assistant Professor, Islamic Teachings Department, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, najafzadeh@um.ac.ir

Maybudī's *Sharḥ al-hidāyah al-ḥikmah*. Unlike Ibn Sīnā and Suhrawardī, Samākī did not found a specific school of philosophy; however, he managed to play a significant role as a mediator in the development of philosophical thought in general and turn into a source of inspiration for Mullā Ṣadrā in developing his Transcendent Philosophy. He did so through presenting some accurate critiques, conducting thorough investigations, and expressing specific and innovative views regarding certain topics discussed by *mutikallimūn*, Peripatetic philosophers, Illuminationists, and gnostics within the framework of some of his dependent and independent (commentaries and glosses) works. Among such views, reference can be made to his different interpretation of *sollemī* (stepwise) argument and the development of three new arguments on demonstrating the finitude of things, which have been discussed in this paper.

## Key Terms

Fakhr al-Dīn Samākī  
glosses on *Sharḥ al-hidāyah al-ḥikmah*  
finitude of things

*sollemī* (stepwise) argument



# Place and Time of Fakhr al-Dīn Samākī in the History of Islamic Philosophy (with an Emphasis on his Glosses on Maybudī's *Sharḥ al-Hidāyah al-Ḥikmah*)\*

Tahereh Sadat Mousavi,<sup>1</sup> Mehdi Najafi Afra,<sup>2</sup> and Maghsoud  
Mohammadi<sup>3</sup>

A necessary research activity in each period is the revival of the works of thinkers and philosophers who have played an essential role in the history of the development and advancement of Islamic culture and teachings but have remained unknown to the world. Fakhr al-Dīn Samākī, known as Muḥaqqiq Fakhrī, is one of these philosophers who lived in the 10<sup>th</sup> century (AH). He was the student of Ghiyāth al-Dīn Manṣūr Dashtakī. He wrote some important works such as *Glosses on Qūshchī's Sharḥ-i tajrīd* and *Glosses on Maybudī's Sharḥ al-hidāyah al-ḥikmah*. Athīr al-Dīn Abharī's *Hidāyah al-ḥikmah* consists of three chapters on logic, physics, and theology. Maybudī commented on its two chapters of physics and theology, and Samākī wrote glosses only on the first and second sections of the three sections of the chapter on physics of

---

\* The present paper has been derived from the PhD dissertation of the first author.

1. PhD candidate of Islamic Philosophy and Kalam, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, t.hmousavi@yahoo.com
2. Professor at the Islamic Philosophy and Kalam Department (corresponding author), Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, mah.najafiafra@auctb.ac.ir
3. Associate Professor, Islamic Philosophy and Kalam Department, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran, mmohammadi@kaiu.ac.ir

Khosrawani wisdom. The present study aimed to list the features of kings in *Mirṣād al-‘ibād* while considering the elements of kingship in ancient schools of philosophy, particularly Khosrawani wisdom, and then explain the similarities and differences between the thoughts of Najm al-Dīn Rāzī and the basic principles of Khosrawani wisdom regarding the necessary qualities and features of a king. The findings of the study demonstrate that, given the place of his own gnostic interpretation and the Illuminationist and *Zahirite* meaning of Khosrawani wisdom, Rāzī considered kingship to be the same as divine guardianship and the philosophical concept of “king philosopher” or, in other words, a wayfarer who has attained God and is now at the stage of “for the created through the Truth”. This individual is a “particular king” who has been granted the position of “people’s king” or the authority to rule people in the light of such characteristics.

## Key Terms

Khosrawani wisdom  
*farr-e izadī* (divine light or glory)  
Najm al-Dīn Rāzī

kingship qualities  
divine guardianship  
*Mirṣād al-‘ibād*



# An Analytic Account of the Rules and Position of Kingship in *Mirṣād al-‘Ibād* based on Khosrawani Wisdom

*Somayeh Asadi\**

According to the teachings of Zoroastrianism and Ahuramazda, the position of kingship in ancient Iran enjoys two aspects of religiousness and leadership or wisdom and government, which were both granted to the king in the light of divine power (*farr-e īzadī*). In Illuminationist philosophy, too, the light of all lights (*al-nūr al-anwār*), which illuminates all worlds, is the same *khurneh* in *Avesta*, which is referred to as *farr* (glory) in today's Persian. In the light of *farr*, which is an *īzadī* and divine gift, the blessed person qualifies for the position of kingship. If any knowledgeable and just king deviated from the path of justice, he was deprived of this blessing and glory. Najm al-Dīn Rāzī's view in *Mirṣād al-‘ibād* regarding the position of leaders and kings and their duties are very close to ancient Iranian thoughts, Zoroastrian teachings, and Khosrawani wisdom. He calls the king as God's vicegerent on earth and, through assimilating the king to *homā* (a fabulous bird of good omen), he confirms God's attention to this rank and position. Therefore, it can be said that what is called *farr-e kiyānī* (divine light) in Khosrawani wisdom and Illuminationist philosophy has appeared in *Mirṣād al-‘ibād* as divine power and heavenly confirmation. Accordingly, Rāzī refers to some specific features for kings which match those appearing in ancient religions and

17

---

\* Assistant Professor, Persian Language and Literature Department, Velayat University, Iranshahr, Iran, [asadi\\_somayeh61@yahoo.com](mailto:asadi_somayeh61@yahoo.com)

finite, particular, possible, and changing affairs, is a complement to essential knowledge, which pertains to pre-eternal and universal affairs and primal and fixed basic principles. *Sophia* and *phronesis* can lead to happiness only in case they function as the two sides of the same coin.

### Key Terms

*phronesis*  
*sophia*  
practico-ethical wisdom

practical wisdom  
theoretical wisdom



# Epistemological Place of *Phronesis* and its Importance in Aristotle's Philosophy of Ethics

*Ali Nazemi Ardaqani,<sup>1</sup> Reza Davari Ardaqani,<sup>2</sup> and Malek Hosseini<sup>3</sup>*

*Phronesis* or practical wisdom is one of the intellectual virtues which Aristotle has defined as a predisposition for continuously becoming involved in practice while thinking wisely about good and evil affairs. The outcome of this predisposition or phronetic act is the product of a kind of philosophical thinking which, in addition to viewing certain established principles, attends to *madīna (polis)* as a cradle for the development of acts; to finite, particular, and changing affairs as the subject of knowledge, and to Man as a free agent. The irregularity and, at the same time, legitimacy of *phronesis* provides individuals with a strategy not to surrender to fixed and strict scientific laws as the only legitimate tools of knowledge acquisition. Through making a methodological distinction between *sophia* or theoretical wisdom and *phronesis*, Aristotle has in fact founded the independence and irreducibility of practico-ethical knowledge about what is correct; practical deliberation cannot be reduced to logical arguments. In Aristotle's ethical philosophy, accidental knowledge, as the knowledge of

15

1. PhD student of Philosophy, Faculty of Divinity, Political Science and Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, ali.nazemi@yahoo.com
2. Professor at the Philosophy Department, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran, rdavari@ias.ac.ir
3. Assistant Professor(corresponding author), Philosophy Department, Faculty of Divinity, Political Science, and Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, m-hosseini@srbiau.ac.ir



سال دهم، شماره اول  
تابستان ۱۳۹۸



*Bahman* or *Urdibihišt* in Avestan and Pahlavi texts and considering them as the pillars of the *nūrī* (illuminative) and ontological system in his philosophy. Here, based on the principle of “Nothing is emanated from the one but one”, he calls the first-emanated from the light of lights (*al-nūr al-anwār*) the closest light (*al-nūr al-aqrab*) and, based on ancient Iranian philosophy, he calls it *Bahman*. However, one might inquire about the relationship between *Bahman* and the first-emanated, particularly if the first-emanated in Islamic philosophy is the intellect. Following a historical and analytic approach, this paper investigates the philosophy of choosing *Bahman* as the first-emanated in Suhrawardī’s philosophy and examines his particular choice of *Bahman* as the god of wisdom and knowledge as tantamount to the intellect in Islamic *ḥadīths*, which demonstrates Suhrawardī’s profound knowledge of ancient Iranian wisdom.

## Key Terms

ancient Iranian wisdom  
Suhrawardī  
*Bahman*

Illuminationist philosophy  
intellect  
first-emanated

# The Concept and Place of *Bahman* in Avestan and Pahlavi Texts as the “First Emanated” in Illuminationist Philosophy

Hassan Bolkhari Ghehi\*

The statement, “Reason was the first thing that God created”, which has been mentioned in several Islamic texts and has been quoted and emphasized by some great philosophers such as Suhrawardī and Mullā Ṣadrā (in *Sharḥ-i uṣūl al-kāfī*), is a well-known narration in Islamic *ḥadīths*. A similar statement with a clearer meaning is: “The Glorious God created the intellect, which was the first heavenly created”. Such statements gain more significance when we compare them with similar statements regarding the place of the intellect, which is equal to being, in Greek philosophy. As the master of all Illuminationist philosophers, Suhrawardī, as he has emphasized in his treatise of *Fī ḥaqīqat al-‘ishq* (On the Truth of Love) (p. 268), was well-aware of this famous narration. Given Suhrawardī’s explicit reference to this statement and his clear indication in *Hikmat al-ishrāq*, in which he calls himself the reviver of ancient Iranian philosophy (or at least introduces the wisdom of ancient Iranian philosophers (*fahlavīūn*) as one of the main sources of his own philosophy), this study aims to provide an answer to the question of how we can trace the effects of ancient Iranian wisdom in Suhrawardī’s philosophy. One of the most important factors linking his philosophy to ancient Iranian philosophy is his reference to the place of such *Amesha Spenta* as

13

---

\* Professor at the Higher Art Studies Department, University of Tehran, Tehran, Iran, hasan.bolkhari@ut.ac.ir

philosophy, which is sometimes called intercultural philosophy, requires philosophers to deal with various cultural, linguistic, and philosophical trends with an emphasis on the fundamental principles underlying the philosophers' thoughts and to study the differences and similarities among their views. In Corbin's view, comparative philosophy has functioned as the gateway of the correct perception of philosophical thoughts in the history of philosophy, and that is why he has compared Illuminationist philosophy with the philosophical views of Plato and Aristotle. He believes that Suhrawardī's philosophy has been derived from Plato's views, which seems to have its roots in his idea that the origin of philosophy is Greece. Corbin considers him as the Plato of the world of Islam; however, he ignores Suhrawardī's innovations, the differences between his philosophy and that of Plato, and his criticism of Aristotle.

### Key Terms

Corbin  
Greek philosophy  
Aristotle  
Christianity

Suhrawardī  
Plato  
neo-Platonists  
comparative philosophy

# A Critical Analysis of Henry Corbin's Thoughts on the Comparison of Suhrawardī's Philosophy with Greek Philosophy

*Seyed Ali Alamolhoda,<sup>1</sup> Alireza Parsa,<sup>2</sup> Marziyeh Akhlaghi,<sup>3</sup> and  
Hassan Seyyed Arab<sup>4</sup>*

Henry Corbin is a western commentator of Suhrawardī's Illuminationist philosophy. His thoughts in relation to interpreting this philosophy are based on *t'awīl* (hermeneutics), phenomenology, metahistory, and comparative philosophy. The present paper is the first attempt at addressing this subject, and it is intended to critically investigate Corbin's thoughts regarding the comparison of Suhrawardī's philosophy with those of Plato, Aristotle, and neo-Platonists. Here, the authors have explored Suhrawardī's innovative ideas so that the differences between them and the thoughts of the above-mentioned philosophers are disclosed. They have also presented a general critique of Corbin's methodology and its defects in the conclusion. Comparative

1. Associate Professor, Philosophy and Kalam Department, Payame Noor University, Tehran, Iran, alamolhoda53@gmail.com
2. Associate Professor, Philosophy and Kalam Department, Payame Noor University, Tehran, Iran, alirezaparsa1214@gmail.com
3. Associate Professor, Philosophy and Kalam Department, Payame Noor University, Tehran, Iran, akhlaghimarziye@yahoo.com
4. PhD in Philosophy and Kalam (corresponding author), Payame Noor University, and Assistant Professor at Encyclopedia Islamica Foundation, Tehran, Iran, h.arab@rch.ac.ir

11

## Paper Submission

- Authors are recommended to submit both the Word and PDF formats of their papers through the website of each journal to the following address:
  - Quarterly of *Kheradname-ye Sadra*: [kherad.mullasadra.org](http://kherad.mullasadra.org)
  - Quarterly of *History of Philosophy*: [hop.mullasadra.org](http://hop.mullasadra.org)
  - Biannual Journal of *Philosophy and Children*: [pac.mullasadra.org](http://pac.mullasadra.org)
- In case the authors cannot use the submission links, they can email their papers to [siprin@mullasadra.org](mailto:siprin@mullasadra.org). Authors are required to type “related to the Journal (name of the journal)” in the subject section.



it. Be sparing in the use of tables and ensure that the data presented in them do not duplicate results described elsewhere in the article.

### **References**

#### **Citation in text**

Please ensure that every reference cited in the text is also present in the reference list (and vice versa). Citation of a reference as 'in press or forthcoming' indicates that the item has been accepted for publication.

#### **Web references**

Authors are required to provide the full URL and the date when the reference was last accessed. Web references should be included in the reference list.

#### **Reference style**

**Text:** Citations in the text should follow the referencing style detailed in *Publication Manual of the American Psychological Association* (Sixth Edition, ISBN 978-1-4338-0561-5).

**List:** References should be arranged first alphabetically and then further sorted chronologically if necessary. More than one reference from the same author(s) in the same year must be identified by the letters 'a', 'b', 'c', etc., placed after the year of publication.

*Examples:*

#### **Reference to a journal publication:**

Asghari, M., Gholami, P., & Emami, R. (2018). Mulla Sadra and self-knowledge. *Kheradname-ye Sadra*, 84, 42-43.

#### **Reference to a book:**

Akhlaghi, M., & Mehran, F. (2019). *Mulla Sadra and self-knowledge*. (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Sadr Publications, (Chapter 4).

#### **Reference to a chapter in an edited book:**

Akhlaghi, M., & Mehran, F. (2019). Mulla Sadra and self-knowledge. In A. B. Mohammadi & F. Taheri (Eds.), *An introduction to Transcendent Philosophy* (pp. 232-257). Tehran: Sadr Publications.

#### **Reference to a website:**

Mulla Sadra and self-knowledge. (2017). [http://www.mullasadra.org/new\\_site/English/index.htm/](http://www.mullasadra.org/new_site/English/index.htm/) Accessed 22 June 2018.

#### **Reference to a conference paper or poster presentation:**

Akhlaghi, M., & Mehran, F. (2019). Mulla Sadra and self-knowledge. Paper presented at Mulla Sadra Conference (11<sup>th</sup> edition), Tehran, Iran.

#### **Supplementary data**

The journals welcome audio, video, multimedia and other supplementary material to support and enhance the submitted reports of scientific research. All submitted files should be properly labeled so that they directly relate to the file's content.

- Authors are expected to consider carefully the list and order of authors before submitting their manuscripts and provide the definitive list of authors at the time of the original submission. Any addition, deletion or rearrangement of author names in the authorship list should be made only before the manuscript has been accepted and only if approved by the journal Editor.

## Article Structure

**Subdivision-numbered sections:** Divide your article into clearly defined and numbered sections using 1.1 (then 1.1.1, 1.1.2, ...), 1.2, etc. The abstract is not included in section numbering. Any subsection may be given a brief heading appearing on a separate line.

**Introduction:** State the objectives of the work and provide an adequate background, avoiding a detailed literature survey or a summary of the results.

### **Literature Review**

### **Research Questions**

**Material and Methods:** Provide sufficient details to allow the work to be replicated.

**Results:** Results should be reported concisely and precisely.

**Discussion:** This section should discuss the significance of the results of the work, not repeat them. Authors can also combine the Results and Discussion sections; however, they are advised to avoid extensive citations and discussion of published literature.

**Conclusions:** The main conclusions of the study should be presented in a short Conclusions section, which should not simply repeat earlier sections.

**Appendices:** If there is more than one appendix, they should be identified as A, B, etc.

**Acknowledgements:** Submit acknowledgements in the title page of the submission. In the acknowledgements list the individuals who provided help during the research.

**8 Footnotes:** Footnotes should be used very sparingly. Number them consecutively throughout the article, using superscript Arabic numbers. Do not include footnotes in the Reference list.

### **Tables**

Tables should be submitted as editable text and not as images. They should be placed next to the relevant text in the article. Number tables consecutively in accordance with their appearance in the text and insert the related caption above

## Formatting

All manuscripts should follow the same format and consist of the following sections:

- A clear and well-worded title
- An abstract (about 200 words)
- Key terms (a maximum of 10 words in alphabetical order)
- Introduction
- Body
- Method
- Results
- Discussion
- Suggestions for further Research
- References

- The abstract should include the purposes, method, main findings, and results of the study.
- The journals accept papers in the MS Word format. Manuscripts should not exceed 7000 words (including references, appendices, etc.). The manuscript should be justified and single-spaced with wide margins on one side. Authors are advised to use a Times New Roman font size of 11. Each new paragraph should be clearly indented. All tables and figure captions should appear on separate pages at the end of the manuscript, and all pages should be numbered consecutively.
- English translations of the title, abstract, and key terms of the paper must be given in a different page.
- The title of the paper and the author's name and surname, academic rank, and affiliation must be written in English on a separate page. The author is required to provide their home/work address, mobile number, and email address on the same page. The English version of the author's name will appear in the target journal as given in this page.
- Authors need to clearly indicate who will handle correspondence at all stages of refereeing, publication, and also post-publication. Contact details must be kept up-to-date by the corresponding author.
- All rules of punctuation and capitalization must be observed in the writing of the articles.

7



acknowledgement, Sipurin reserves the right to retract it and take appropriate legal action.

- Authors are solely responsible for the content of their manuscripts. Their publication in the journals of the Sadra Islamic Philosophy Research Institute is only intended to introduce new theories, promote exchange of ideas, and knowledge generation and, in no way, does it demonstrate the Institute's confirmation of its full content.
- The articles should enjoy logical coherence and cohesion and meet the standards of academic writing.
- If the manuscript is based on an MA thesis or PhD dissertation, the author (s) is required to acknowledge the point at the beginning of the paper in a footnote.
- The articles derived from theses or dissertations should observe the rules of the affiliated universities. Authors are required to inform the journals about such rules. The submitted papers will be accepted for the review process with the signed agreement of the thesis or dissertation advisor.
- As part of the submission process, the author is required to warrant that the paper has not been published elsewhere, either in part or whole, is not under consideration for publication elsewhere, and is not being submitted simultaneously elsewhere. The journals accept papers whose abstracts have been previously published in the proceedings of national and international seminars and conferences; however, they should not have been published in whole in the proceedings.
- Papers based on translated works are not accepted.
- The submission of a manuscript does not guarantee its publication in the intended journal. The Institute decides whether to accept, reject, or edit the submissions.
- It is the authors' responsibility to track the result of the review process.
- Authors are required to check the related existing literature thoroughly prior to submitting their papers. The journals do not publish papers on repetitious topics.

6

### **Role of the Funding Source**

Authors are requested to identify who provided financial support for the conduct of the research and/or preparation of the article and to briefly describe the role of the sponsor(s), if any, in study design; in the collection, analysis and interpretation of data; in the writing of the report; and in the decision to submit the article for publication.



- Mulla Sadra and the Transcendent Philosophy, Sadrian philosophers and commentators and critics of Mulla Sadra's philosophy, philosophers and philosophical schools influencing the Transcendent Philosophy
  - Islamic philosophy and wisdom
  - Islamic gnosis and *kalam*
  - Comparative studies on Illuminationist philosophical schools
2. Scientific Quarterly of *History of Philosophy* publishes papers in the following areas in the given order of importance:
- Etymology of philosophical schools and thoughts, unity of philosophers' thoughts and philosophical schools with the social and philosophical conditions of their time, interaction of philosophical thoughts, effects of philosophers' thoughts on society and future schools of philosophy, comparative studies on history of philosophy
  - Iranian and Illuminationist philosophical thoughts
  - Philosophical historiography
  - History of Islamic philosophy
  - History of ancient philosophy
  - Oriental philosophies
3. The Biannual Research-Analytic Journal of *Philosophy and Children* accepts papers in the following fields:
- Philosophy and children's spirituality (theoretical and field studies)
  - Models, methods, and tools of teaching philosophy and spirituality to children

The submissions could be based on philosophical or interdisciplinary studies (education, philosophy, psychology, sociology, children's education).

### **Manuscript Acceptance (Preliminary Conditions)**

- The submissions must meet the aims and scope of each journal. They should have been written following a well-designed research method and entail a well-established theoretical foundation, present a theory, follow a critical approach, include a comparative analysis of existing theories and ideas, or offer an unprecedented interpretation of an old or new related issue.
- The articles must be original and written on the basis of the studies conducted by the author. Where an article is found to have plagiarized other work without permission or sufficient

5



سال دهم، شماره اول  
تابستان ۱۳۹۸

# ***Manuscript Submission Guidelines for the Journals of the Sadra Islamic Philosophy Research Institute***

## **Introduction**

The Sadra Islamic Philosophy Research Institute (Siprin) presently publishes three specialized journals. The journals only publish manuscripts in Persian; however, each issue also includes the English translations of the abstracts of the published papers. Submission of an article to any of the journals indicates full agreement with the publication conditions of the Institute and granting Siprin the sole and exclusive right and license to publish and republish the accepted papers. The submission of a manuscript is no guarantee for its publication, and the Institute is free to accept, reject, and edit the paper. Received articles will not be returned to the authors, and the rejected, retracted, or withdrawn papers will be removed from each journal's archive.

## **Peer Review Process**

The peer review process will be completed following the steps given below:

- 1) Verification of the originality of submitted articles with duplication-checking and anti-plagiarism software
- 2) Manuscript evaluation by the editor
- 3) Review by two independent experts
- 4) Decision-making by the editorial board and editor

Any manuscript which does not meet the standards of the host journal at any stage will leave the review process at the recommendation of the editor of the journal. Authors are required to acknowledge in writing that they have observed all legal and ethical principles in the writing and publication of their manuscripts. It is emphasized that the manuscripts which have not been prepared on the basis of the guidelines provided by Siprin will not be reviewed.

## **Siprin Journals**

1. Scientific Quarterly of *Kheradname-ye Sadra* publishes papers in the following fields in the given order of importance:



## Contents

**Manuscript Submission Guidelines for the Journals of the Sadra Islamic Philosophy Research Institute ..... 4**

**A Critical Analysis of Henry Corbin's Thoughts on the Comparison of Suhrawardī's Philosophy with Greek Philosophy**

*Seyed Ali Alamolhoda, Alireza Parsa, Marziyeh Akhlaghi, and Hassan Seyyed Arab ..... 11*

**The Concept and Place of Bahman in Avestan and Pahlavi Texts as the "First Emanated" in Illuminationist Philosophy**

*Hassan Bolkhari Ghehi ..... 13*

**Epistemological Place of *Phronesis* and its Importance in Aristotle's Philosophy of Ethics**

*Ali Nazemi Ardakani, Reza Davari Ardakani, and Malek Hosseini ..... 15*

**An Analytic Account of the Rules and Position of Kingship in *Mirṣād al-'Ibād* based on Khosrawani Wisdom**

*Somayeh Assadi ..... 17*

**Place and Time of Fakhr al-Dīn Samākī in the History of Islamic Philosophy (with an Emphasis on his Glosses on Maybudī's *Sharḥ al-Hidāyah al-Ḥikmah*)**

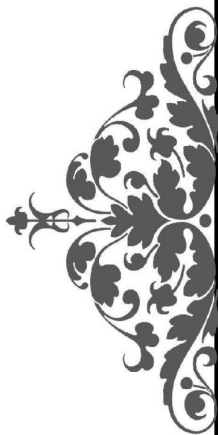
*Tahereh Sadat Mousavi, Mehdi Najafi Afra, and Maghsoud Mohammadi ..... 19*

**Creation of Persian Works by Muslim Philosophers**

*Alireza Najafzadeh Torbaty ..... 21*

**A Study of the Views of Three Muslim Philosophers on the Four-Fold Virtues: Ibn Miskawayh, Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, and Ḥakīm J'afar Kashfī**

*Masoud Sadeghi and Amir Jalali ..... 23*





﴿ He is the Wise, the Omniscient ﴾

Scientific Journal

# History of Philosophy



Volume 10, Number 1, Issue 37, Summer 2019

**License-holder:** International Society of the History of Philosophy

**Publisher:** Sadra Islamic Philosophy Research Institute

**Director:** Professor Seyyed Mohammed Khamenei

**Editor-in-chief:** Professor Hossein Kalbasi Ashtari

**Administrative Manager:** Jaleh Shamsollahi

---

**Editorial Board:**

Dawari Ardakani, Reza, *Professor of Philosophy at University of Tehran*

Hekmat, Nasrullah, *Professor of Philosophy at Shahid Beheshti University*

Hesamifar, Abdurrazaq, *Associate Professor of Philosophy at Imam Khomeini International University*

Kalbasi Ashtari, Hossein, *Professor of Philosophy at Allameh Tabataba'i University*

Mohaqqiq Damad, Seyyed Mostafa, *Professor of Law at Shahid Beheshti University*

Mojtabaei, Fathullah, *Professor of Religions and Mysticism at University of Tehran*

Mojtahedi, Karim, *Professor of Philosophy at University of Tehran*

Pourhasan Darzi, Ghasem, *Associate Professor of Allameh Tabataba'i University*

Qaramaleki, Ahad Faramarz, *Professor of Philosophy at University of Tehran*

Rashed Mohassel, Mohammed Taqi, *Professor of Ancient Culture and Languages at University of Tehran*

---

**English Translator:** *Dr. Roya Khoii*

**English Editor:** *Dr. Ali Naqi Baqershahi*

**Persian Editor:** *Mehdi Aboutalebi Yazdi*

---

**Address:** Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

**P.O. Box:** 15875-6919

**Telephone:** (+98 21) 88153210, 88153594      **Fax:** (+98 21) 88493803

**Email:** SIPRIn@mullasadra.org  
hop.mullasadra.org

**ISSN:** 2008-9589

**e-ISSN:** 2676-5160

---

According to certificate Number 3/18/54733 issued on July 10, 2013 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *History of Philosophy* has a Scientific degree.

It is indexed in the following centers: Philosopher's Index, Islamic World Science Citation Center (ISC), Noormags, and Magiran